

متن پرسش

سلام استاد مهربانمان: چند وقتی است خیلی در قبضم، قبضی طولانی! استادی در حوزه داشتیم همین هفته که گذشت اتومبیلش را برای لبنان هدیه کرد تا در تاریخ انقلاب حاضرتر باشد، چند کیلو طلا جمع شد! آه آه، خوشا بسعدت شهادت‌گونه ایشان! استاد دور و بری هایم غیر از اینکه از من بپرسند قسط چندم نهضت ملی مسکن هستی و بعد از اینجا کجا می‌خواهی خانه کرایه کنی و شغل و پول و درآمدت چه می‌شود و... سوالاتی ازین دست مرا آزرده می‌کنند و حس می‌کنم معاشرت با ایشان مرا عقب می‌اندازد، من می‌خواهم شبیه به این استاد حوزه باشم نه دور و بری هایم که تمام سعادت مرا در تکمیل واحد نهضت مسکن و شغل من و امثاله می‌دانند و اینها مدتیست برایم بی ارزشند، خیلی سخت است دو نفر با دو دنیای متفاوت با هم معاشرت کنند، هر آنچه برایشان مهم است برایم بی اهمیت است و هرچه برای آنها بی اهمیت است برای من مهم! مادر می‌گوید جور دیگری شدی پدر و همسر هم همین طور! استاد من دنیای آنها را دیگر نمی‌توانم دوست داشته باشم حتی هنر تظاهر هم ندارم، در برزخی بین بودن و شدن هم مانده‌ام که شده قوز بالا قوز! کاش من بجای سنوار روی مبل سلطنتی ملک و ملکوت و همه عوالم نشسته بودم و جانم را فدای دوست می‌کردم و زنده می‌شدم چون یحیی! آه استاد می‌دانم که احوال چون منی برای شما کاملا روشن است اما استاد تنهایی امانم را بریده، استاد فقط مرگ می‌تواند قدری آرامم کند مرگی که اختیار من است و سهم و حق من از این دنیا. کاش زودتر این سرکه‌گی‌ها آه دوباره خواستم! در حالی که حق در نخواستن است! صادق نیستم آنچنان که باید! اما دوستتان دارم آنقدر که... یا علی مدد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نظر بنده آن است که ما در نسبتی که با شهدای عزیزی مانند حاج قاسم و سید حسن نصرالله و یحیی سنوار که با آنها پیدا کردیم مانند آنها از این دنیا رفته‌ایم و بحمدالله همان‌طور که احساس می‌کنید دنیایی در مقابل ما نیست، تا آنجایی که به جای پیروزی و شکست، به حقانیت جبهه مقاومت نظر داریم و این همان حضور قیامتی است، حضوری که در بیکرانگی خود قابل درک است و از این جهت است که مرگ را تجربه کردیم و باز به دنیا آمده‌ایم تا با مردم صحبت کنیم و معاشرت داشته باشیم و به انسانیت آنها که وجه بیکرانگی آنان است دل بسپاریم تا معنایی که اولیای الهی تجربه کردند به سراغمان آید که همان «موتوا قبل ان تموتوا» می‌باشد. این یعنی وسعت‌دادن به خود، فوق مرگ و زندگی معمولی با حضوری فعال غیر از حضور صوفیان تارک دنیا. در

این حالت که حالت «موتوا قبل ان تموتوا» می‌باشد اگر به لوازم زندگی فکر می‌کنیم، برای هرچه بیشتر حاضرشدن در بیکرانگی خود است و آزادشدن از مشغولیات جزئی دنیا. همان‌طور که اولیای الهی انجام دادند در مقابل تارکین دنیا. موفق باشید